

DC

UNIVERSE

11



# BATMAN SUPERMAN

WILLIAMSON  
HENRY  
SANCHEZ

AGES 13+



دورنام

dorname.ir

کاری از: کیوان دوند

MARQUEZ!

## ULTRA-HUMANITE UNLEASHED!



# منطقه گاتهام فایننشال مرکز انفجار جهجه اتمی

به نظرم  
ایده بدیه  
مرد.

آروم باش،  
پلیس ها مشکلات بزرگتر  
از این بانک دارند که نگرانش  
باشند. اونجا مشغول نجات  
اونهایی هستند که زیر آوار  
موندند.

آره، ولی  
سوء استفاده از  
انفجار...

شاید بخشی  
از این پولو خرج امور  
خیریه بکنیم. هستو  
بهتر می کنه؟

حالا  
بدو... کسی این  
اطراف نیست. ما  
آزادیم و ...

این چی  
!؟...

فرار.



از اینجا  
فرار کنید تا  
وقت هست!

"می تونی حسش  
کنی بتمن؟"

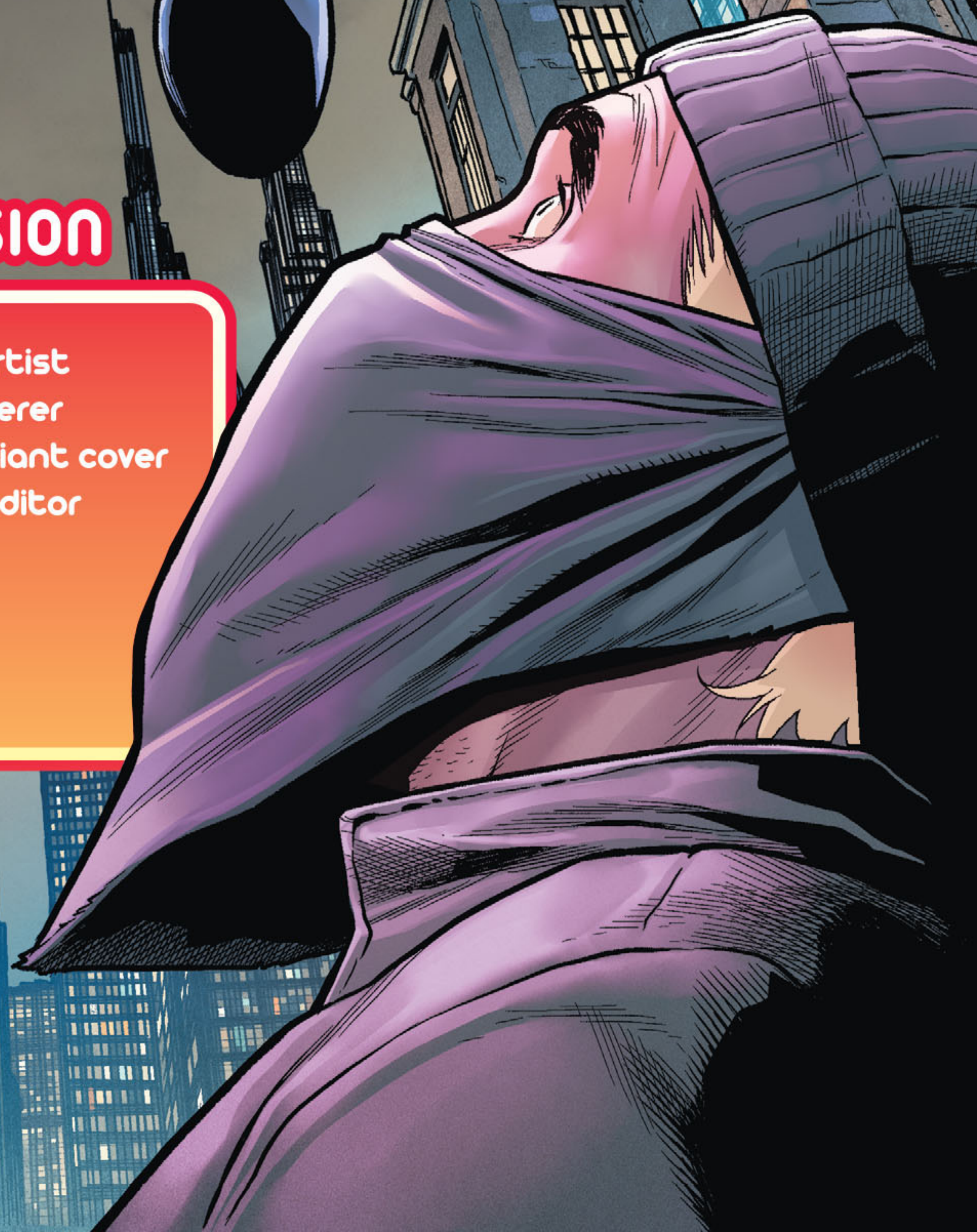
"قدرتی که توی رگهات جریان  
پیدا کرده؟"

## ATOMIC CONCLUSION

JOSHUA WILLIAMSON writer CLAYTON HENRY artist  
ALEJANDRO SANCHEZ colorist JOHN J. HILL letterer  
DAVID MARQUEZ cover JAE LEE & JUNE CHUNG variant cover  
BEN MEARES assistant editor PAUL KAMINSKI editor  
BEN ABERNATHY group editor

SUPERMAN created by JERRY SIEGEL and JOE SHUSTER.  
By special arrangement with the Jerry Siegel Family.

BATMAN created by BOB KANE with BILL FINGER.





"قدرتی که"

"من بهت دادم و الان  
کنترلت می کنم..."

"... و هر حرکت تو  
مال منه..."

"البته این  
فقط یه آزمایشه."

"تا مطمئن بشم کاملاً تحت  
کنترل منی. که بفهمم هر  
جور بخوام می تونم ازت  
استفاده کنم. قبل از اینکه  
بریم سراغ سوپرمن باید از  
بعضی چیزها مطمئن بشم."

"متنفرم از اینکه به این موضوع  
اعتراف کنم. ولی ذهن تو قویتر  
از چیزیه که فکرشو می کردم. ولی  
در نهایت تو در مقابل طوفان  
نوع من چیزی نیستی."

"تسلیم شو  
بتمن..."

"... با هم  
سوپرمنو  
می کشیم."

"مقاومت فقط بهت صدمه بیشتری  
می زنه، بتمن."

من...  
برای کسی...  
آخ...





**SMASH**

**SUPERMAN!**

بیس کن  
اولترا میومنا بیجتا





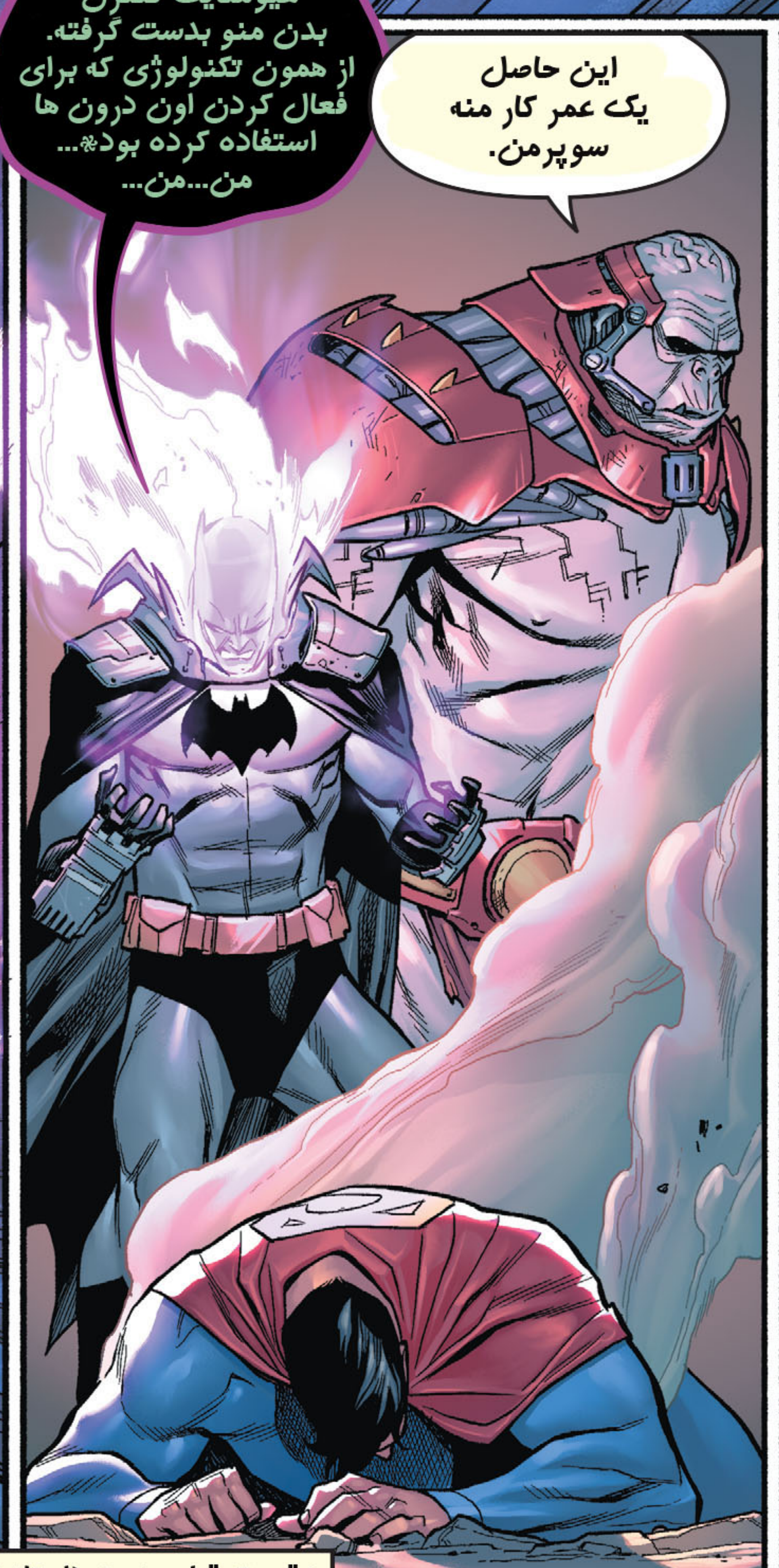
یا باید بگم  
کلارک کنت؟

کدوم  
یکی؟ مرد فولادین  
یا گزارشگر میانه رو؟

کلارک...  
فرار کن...

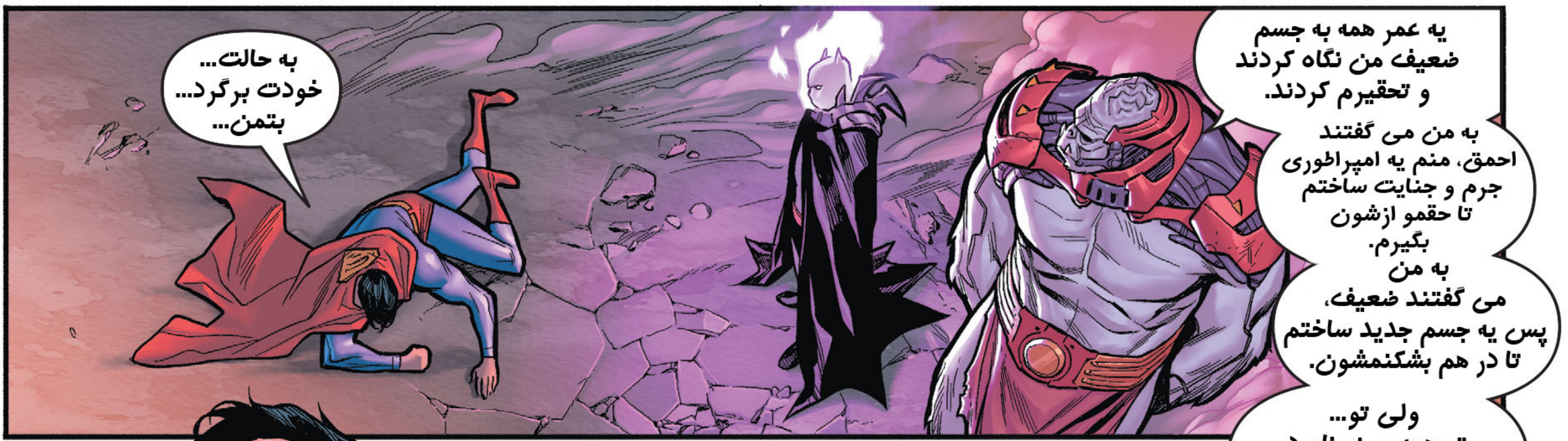
اولترا-  
هیومنایت کنترل  
بدن منو بدست گرفته.  
از همون تکنولوژی که برای  
فعال کردن اون درون ها  
استفاده کرده بود...  
من... من...

این حاصل  
یک عمر کار منه  
سوپرمن.



قسمت قبله همین داستان!

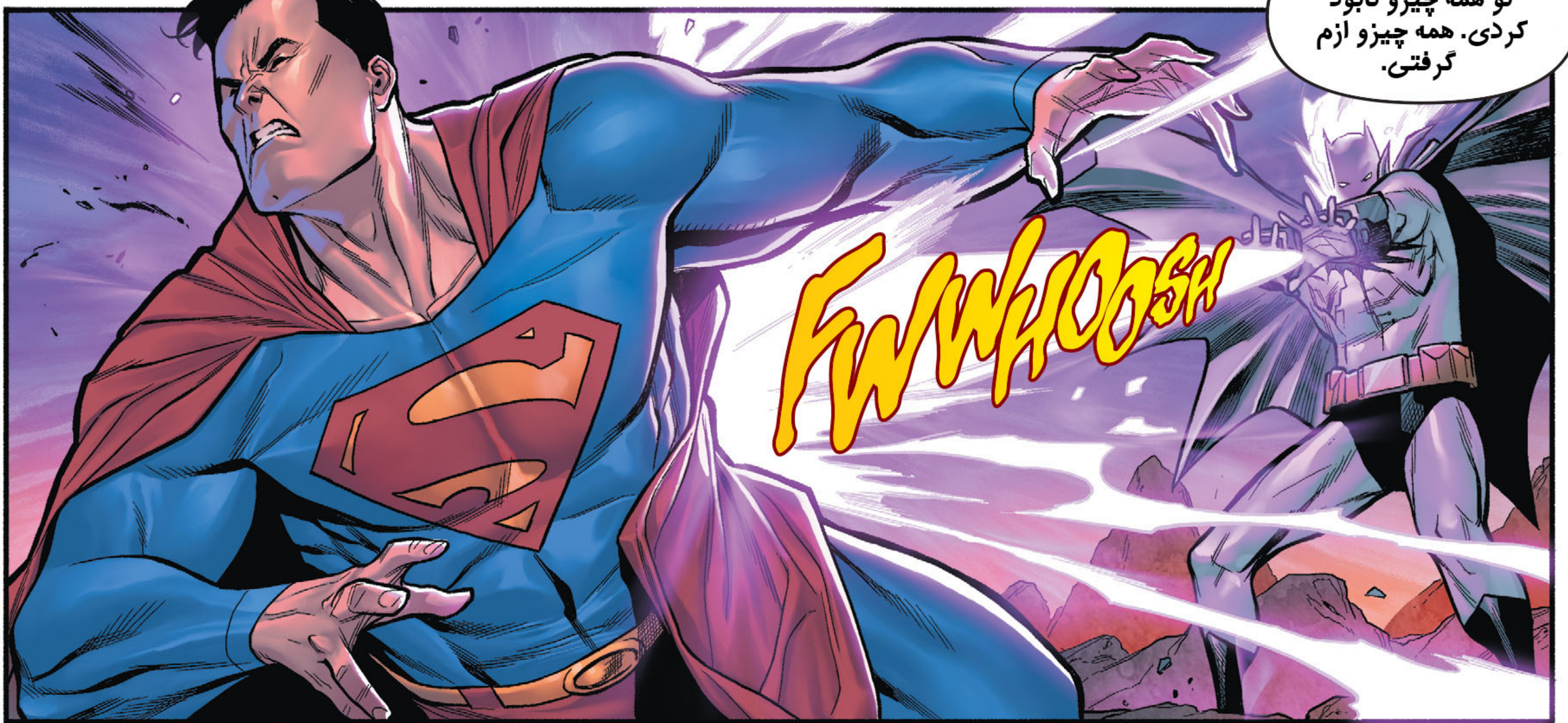




به حالت...  
خودت برگرد...  
بتمن...

یه عمر همه به جسم  
ضعیف من نگاه کردند  
و تحقیرم کردند.  
به من می گفتند  
احمق، منم به امپراطوری  
جرم و جنایت ساختم  
تا حقمو ازشون  
بگیرم.  
به من  
می گفتند ضعیف،  
پس یه جسم جدید ساختم  
تا در هم بشکنمشون.

ولی تو...  
تو همه چیزو نابود  
کردی. همه چیزو ازم  
گرفتی.



FWWPHOOSH



سعی کردم  
در مورد انفجار  
بهتون هشدار بدم!\*

\* این هم در قسمت قبلی. اولتراهیومنایت  
یکه بدشانسی آورد.



هیچ کاری  
نگردید!



ته...  
من کنترلم رو  
بخاطر تو از دست  
نمی دم سوپرمن. هرگز  
نمی دارم اون بعد از من  
رو ببینی.



هر وقت که یه جسم جدید  
می سازم، شکست می خورم.  
پس می خورم. ولی چون  
من در سایه ها مخفی شدم،  
جسم من زیاد مهم نیست.

بزرگترین داشته من ذهن  
من بود. می تونستم یه ارتش  
بسازم تا عظمت نبوغ منو نشون  
بده. کشتن تو می تونه اینو  
ثابت کنه.

و تو  
اینجایی. یه راست  
اومدی به لونه شیر.

خودت ما  
رو پیدا کردی؟



بتمن تنها  
کارآگاه نیست.



”وقتی درون هایت بنمن رو دزدیدند، نوعی تشعشع نادر از خودشون به جا گذاشتند. از همون نوع که جمجمه اتمی به جا گذاشته بود.

”پی این رد رو گرفتم. بعد تونستم صدای سیگنال های الکتریکی رو که برای هدایت درون ها استفاده می کردی، بشنوم.

برای مخفی کردن رد خودت زیاد تلاش نکردی اولتراهیومنایت.

چطور جرأت می کنی به هوش من شک کنی؟  
بنمن، به سوپرمن یاد بده چطور با بالادست خودش حرف بزنه.

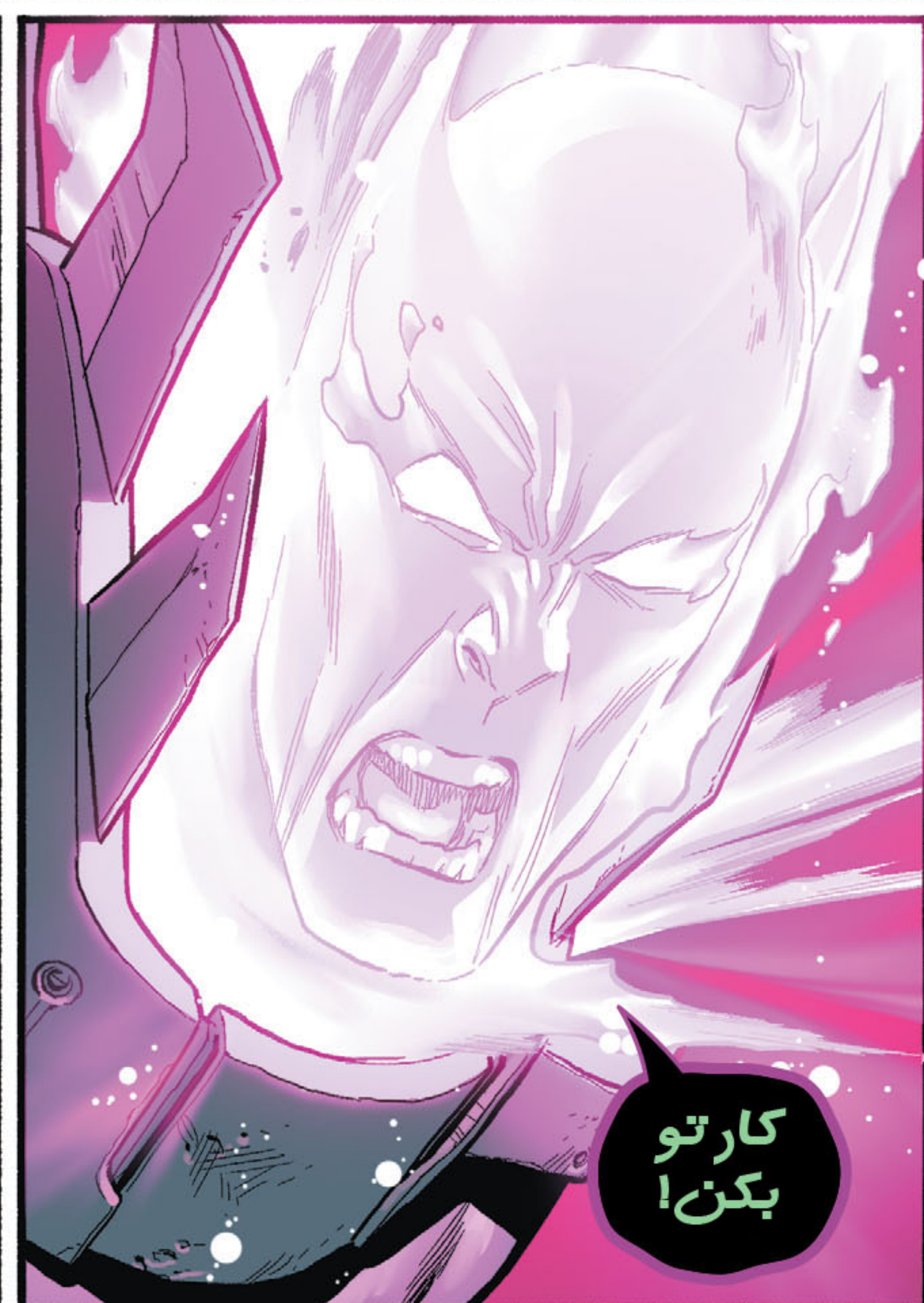
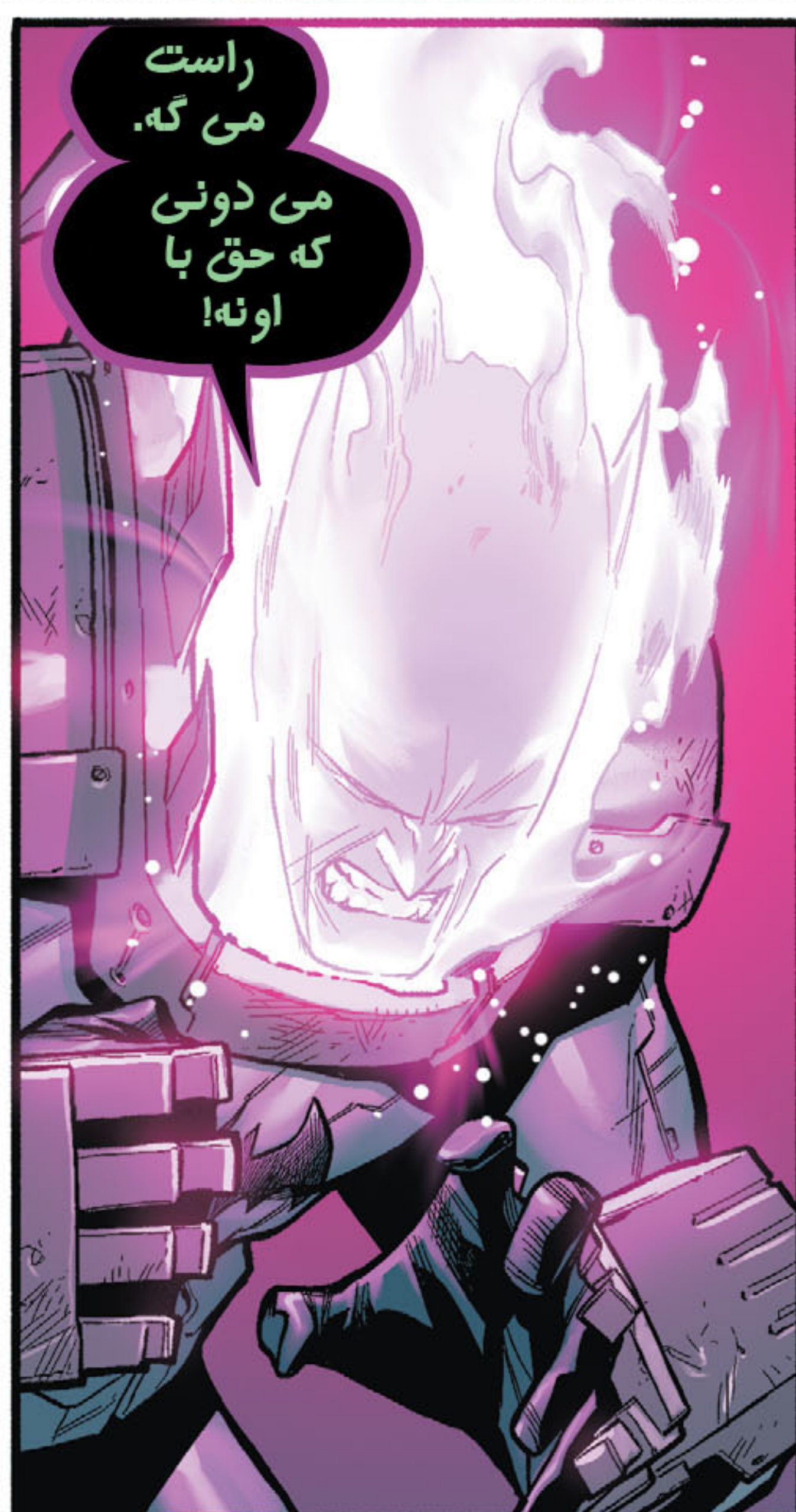
مهم نیست چقدر... درد داره...

...نمی دارم دیگه منو... کنترل کنی...

خیلی خوب. مجبورم کردی.

با شوالیه تاریکی خداحافظی کن سوپرمن. چون قراره از پیشمون بره...

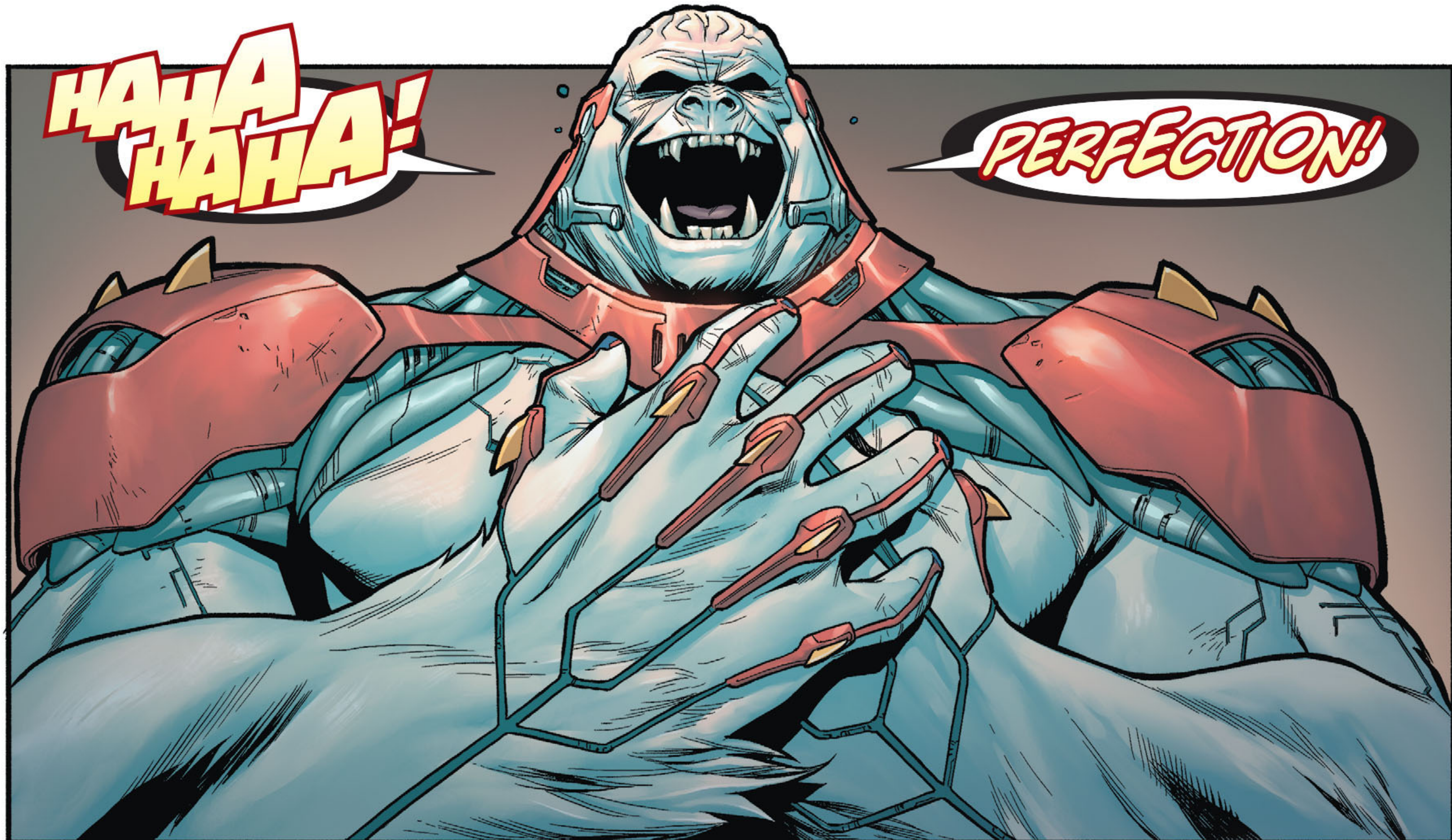












HAHA  
HAHA!

PERFECTION!



می دونستم این نقشه باعث شرمندگی تو می شه، ولی اصلا فکر نمی کردم که تحت هیچ شرایطی تو اونی بکشی!

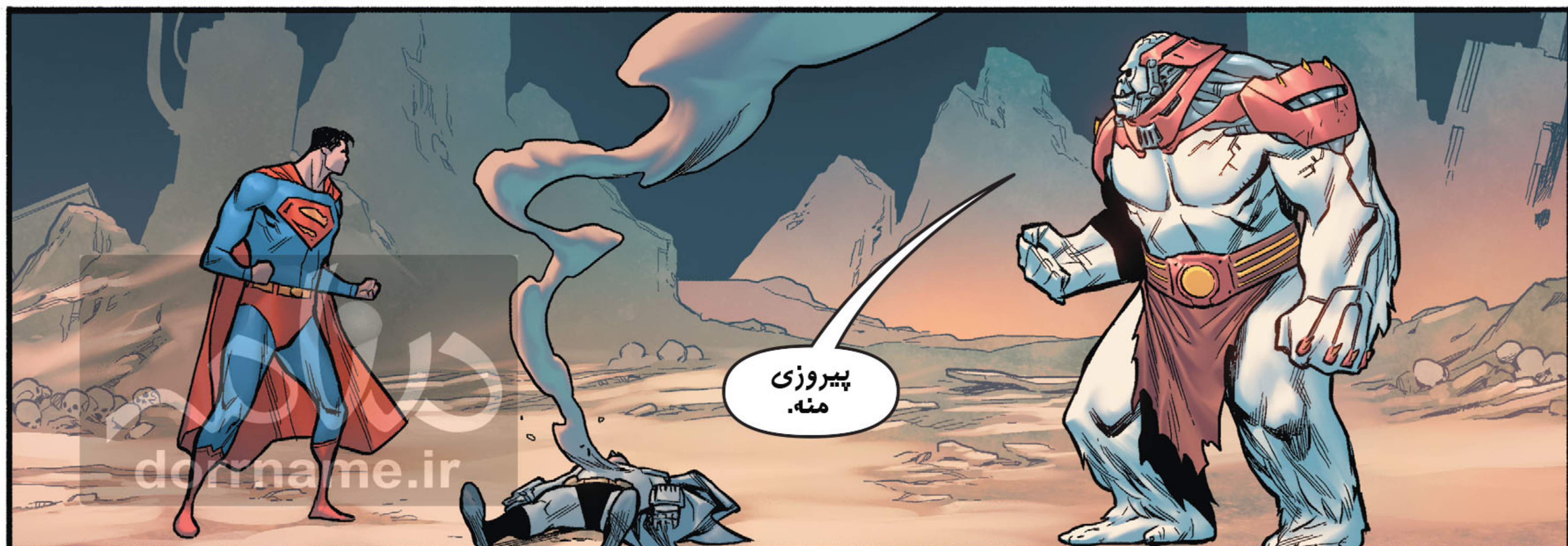


وقتی تو ذهن اون بودم فهمیدم که بهت فکر می کنه. احترام و ارزش زیادی برات قائل بود.

می دونستم که با هم کار می کنید، ولی اصلا به فکرم خطور نکرده بود که با هم دوست هستید.

و حالا مرگ بخشی از میراث منه.

این میراث منه.



پیروزی منه.





چرا؟  
چرا؟!

چون قدرتت  
رو پنهان کردی!



THOOM

مثل یه  
انسان ضعیف  
لباس پوشیدی.

و وانمود می کردی  
یه انسان شکننده ای!  
و کسانی مثل منو تحقیر  
می کردی!

THOOM

منی دونی  
چه حسی داره!  
جمجمه اتمی می فهمید...  
اون می دونست که باید به  
چیزی بیشتر تبدیل  
بشه!

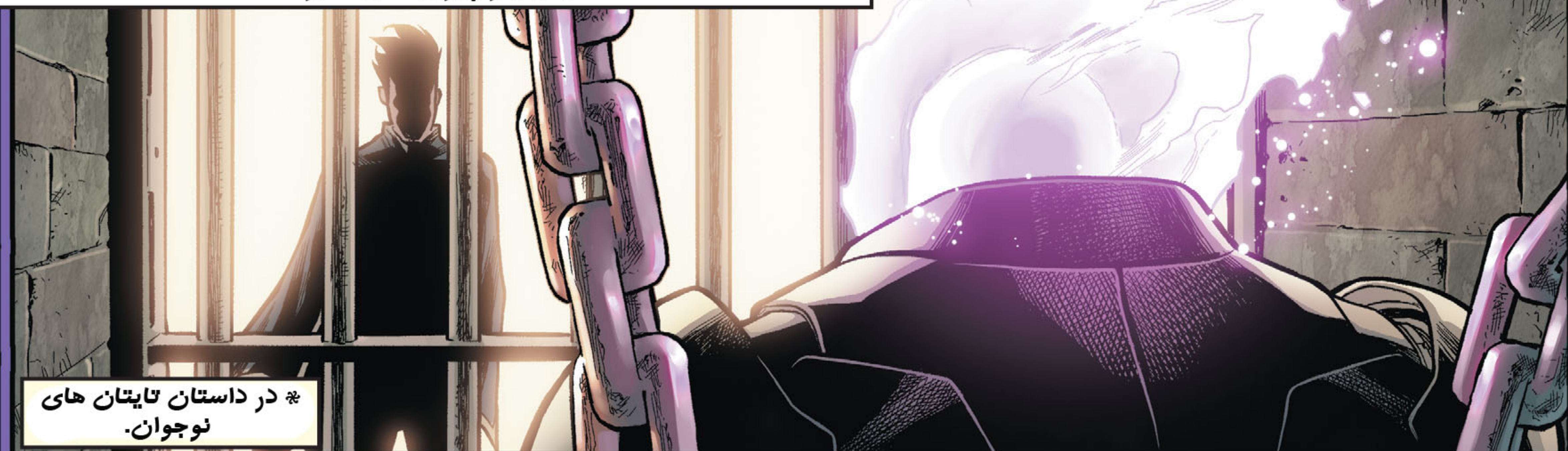
THOOM

و به همین  
خاطر اونو کشتی.

من  
آزادش  
کردم!



"یه فرد مرموز جمجمه اتمی رو زندونی کرده بود. بر خلاف میلش اونو زندونی کرده بود. ممکنه تو اونو به چشم کسی دیده باشی که می خواد گذشته رو جبران کنه ولی اونجا فقط به چشم یه هیولا بهش نگاه می کردند. و اونو از چیزی که بود دور کنند."



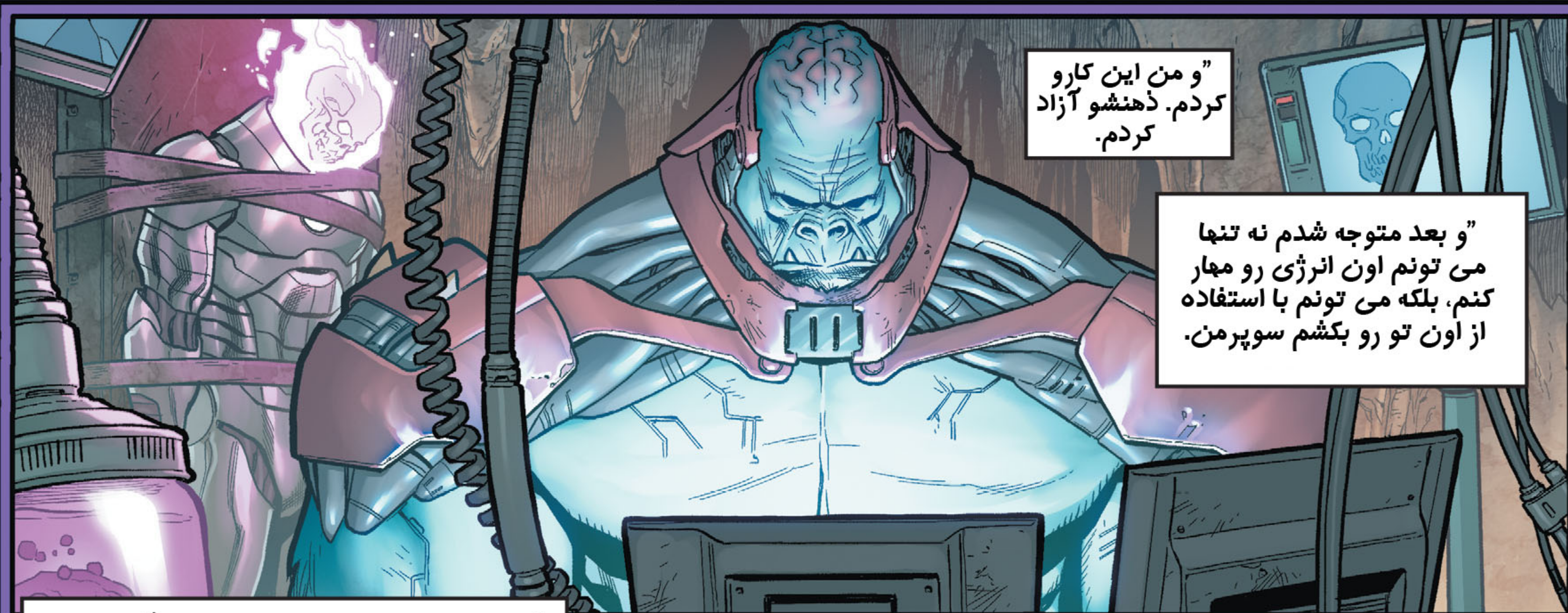
در داستان تایتان های نوجوان.

"اونو به تندراها تبعید کردند و حیات قبلی اونو از ذهنش پاک کردند. اونها می تونستند ظاهرشو پنهان کنند، ولی در نهایت نتونستند تشعشعات دروتی اونو پنهان کنند."

"ارتعاشاتی که من نیاز داشتم."

تو... کی هستی؟

کسی که می تونه کمکت کنه. کمک کنه تا بتونی دوباره کشف کنی که واقعا کی هستی.

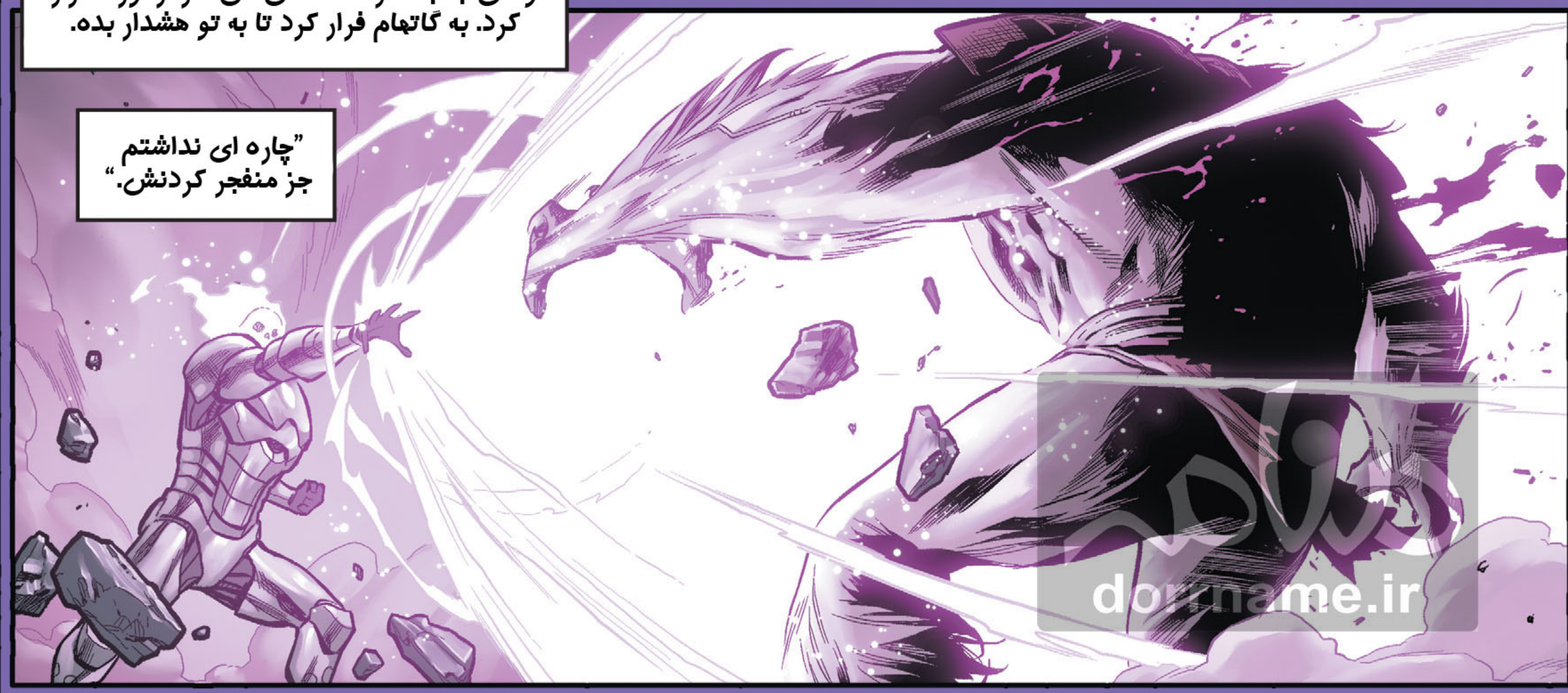


"و من این کارو کردم. ذهنشو آزاد کردم."

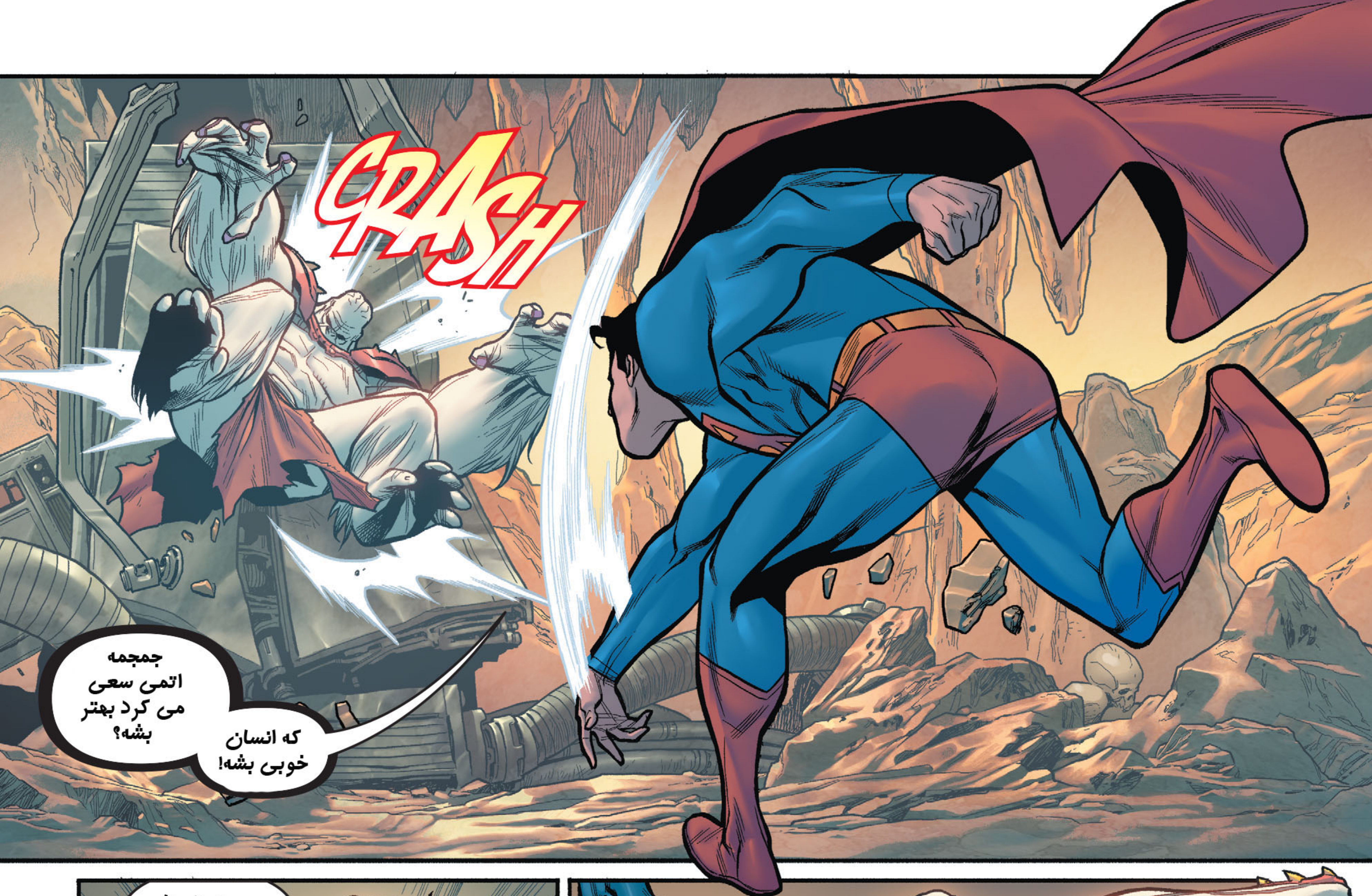
"و بعد متوجه شدم نه تنها می تونم اون انرژی رو مهار کنم، بلکه می تونم با استفاده از اون تو رو بکشم سوپرمن."

"وقتی جمجمه از نقشه های من سردر آورد، فرار کرد. به گاتهام فرار کرد تا به تو هشدار بده."

"چاره ای نداشتم جز منفجر کردنش."







**CRASH**

جمجمه  
اتمی سعی  
می کرد بهتر  
بشه؟

که انسان  
خوبی بشه!



من دو تا  
از دوست های تو  
رو کشتم...

... و تو هتوز  
داری عقب  
می کشی!



تمام قدرتت رو در  
مورد من استفاده کن  
سوپرمن.

نشون بده که  
بدنت چقدر از ذهنت  
قویتره!



نمی خوام  
دیگه باهات  
بجنگم.  
نه.

فقط تو  
نیستی که نقشه  
داری اولتراهیومنایت.



این قراره  
منو بترسونه  
سوپرمن؟

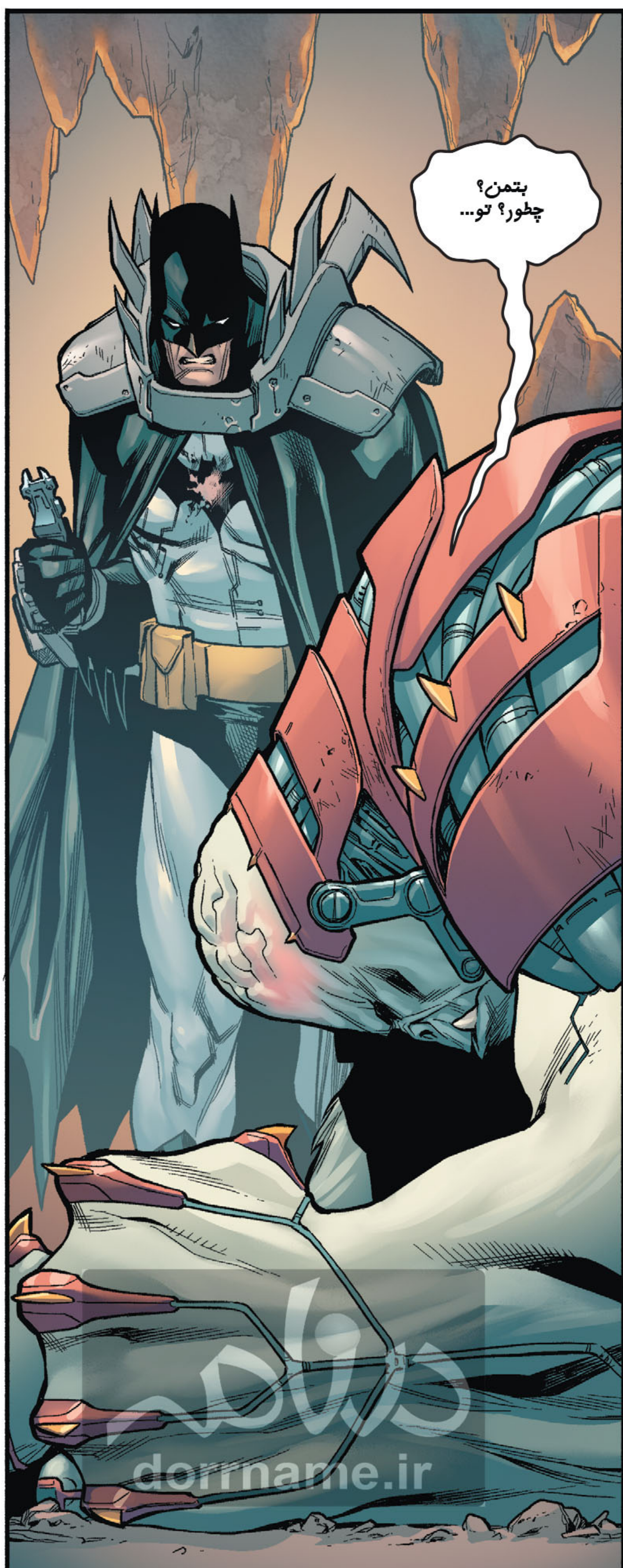
بعد از اینکه  
نابودت کردم، تمام  
دنیا متوجه می شن  
که ذهن من برتره!





راست می گی؟!

TZZZZ



بتمن؟ چطور؟ تو...



بتمن منو یاد چاشنی انفجاری انداخت که داخل بدن جمجمه اتمی بود.

تو چیزی رو که می خواستی ببینی دیدی، اولترا-هیومنایت. ولی چیزی که من شنیدم نشنیدی.

من از دید اشعه ایکسی و میکروسکوپی خودم استفاده کردم تا اون چاشنی رو پیدا کنم و با یه شلیک ظریف اشته حرارتی اونو از کار انداختم.

"خطرناک بود، ولی ارزشش رو داشت."



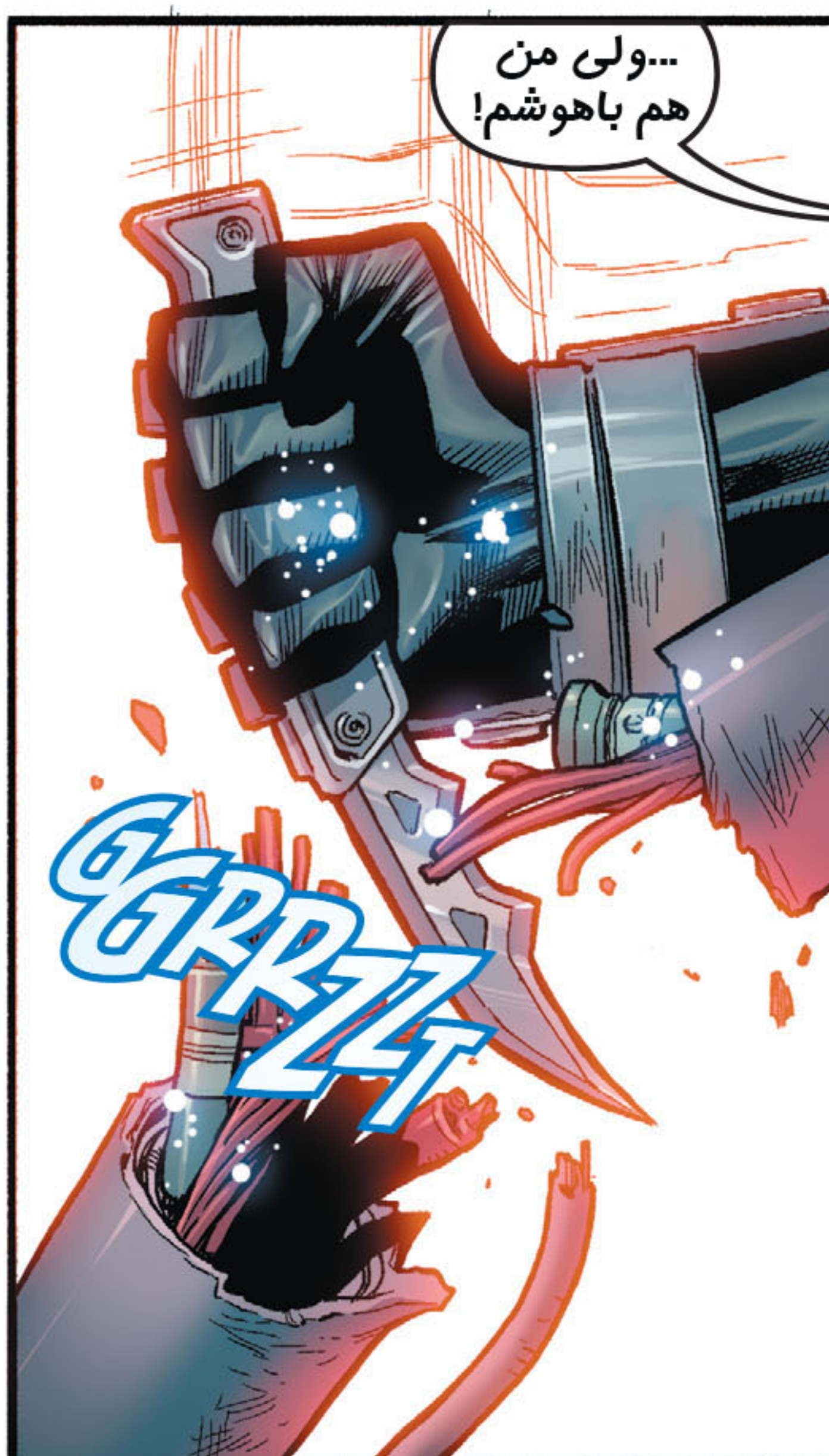


که اینطور! بدنم به اندازه کافی قوی هست که از عهده هر دو شما بر بیاد.

درون های اتمی... حمله!



تو شاید باهوش باشی...



...ولی من هم باهوشم!

GRRZZT



این تازه اول... کاره... سوپر من...

I WILL...

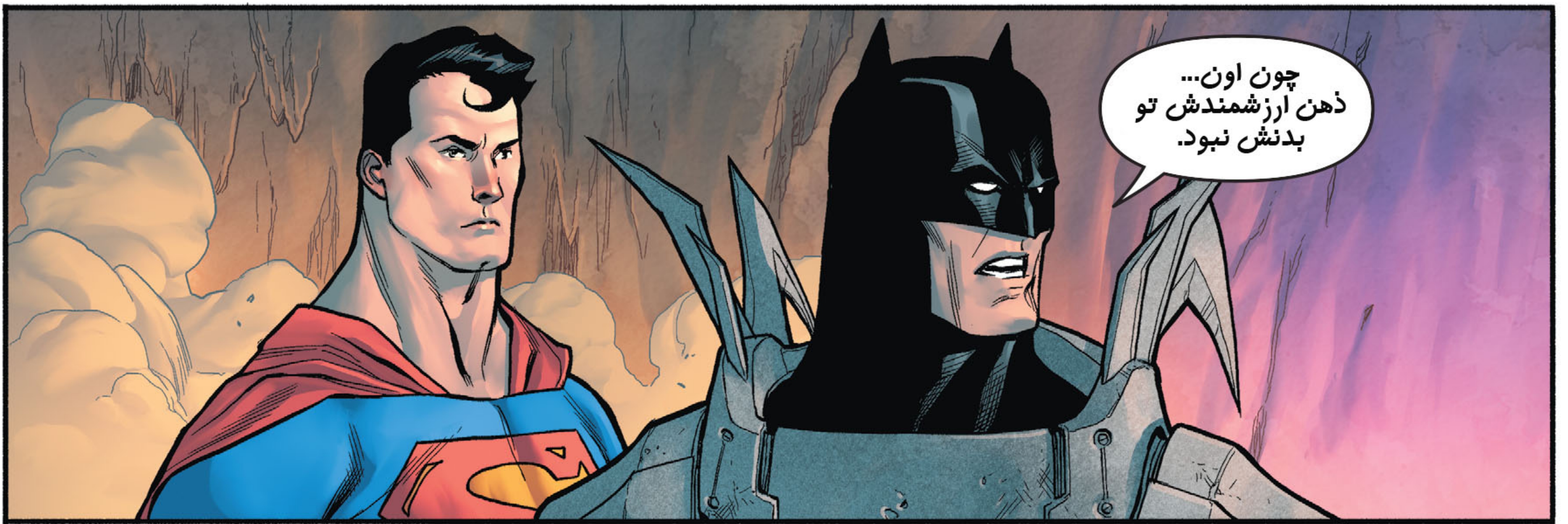


یه درونه؟

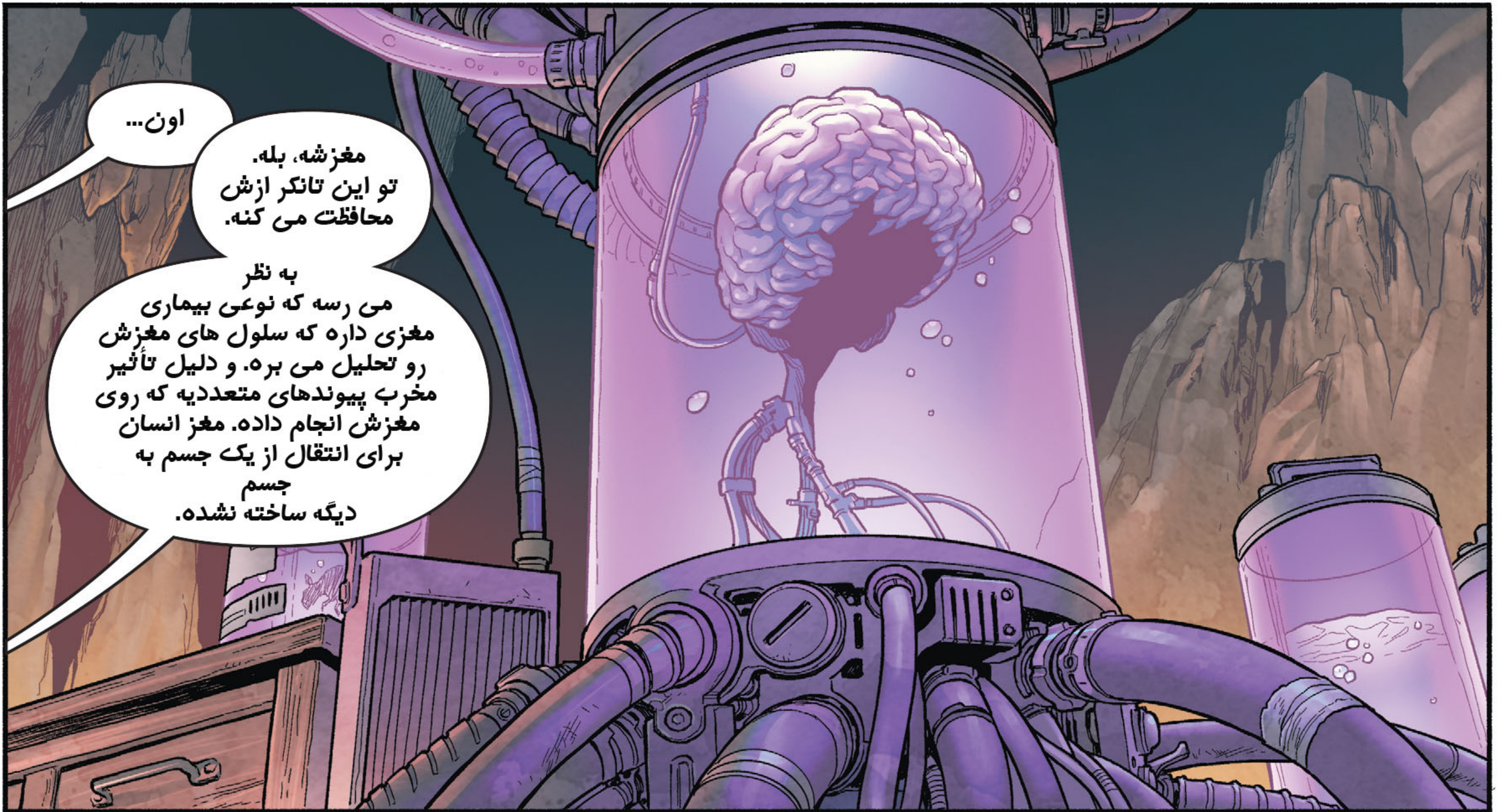
اگه من منفجر می شدم، اولتراهیومنایت هم تو انفجار از بین می رفت. اگه تمایل به انجام این کار داشت، مغموش این بود که به جسمش اهمیت نمی داد...

THUNK





چون اون...  
ذهن ارزشمندش تو  
بدنش نبود.



اون...  
مغزشه، بله.  
تو این تانکر ازش  
محافظت می کنه.  
به نظر  
می رسه که نوعی بیماری  
مغزی داره که سلول های مغزش  
رو تحلیل می بره. و دلیل تأثیر  
مخرب پیوندهای متعددی که روی  
مغزش انجام داده. مغز انسان  
برای انتقال از یک جسم به  
جسم  
دیگه ساخته نشده.



اون ادعا  
می کرد که ذهنش خیلی  
قویه... ولی به نظر من  
سعی می کرد خودشو متقاعد  
کنه، نه ما رو.

باید اونو به استارلیز  
منتقل کنیم، ولی حدس  
می زنم دیگه نتونه به  
پیوند دیگه رو تحمل  
کنه.



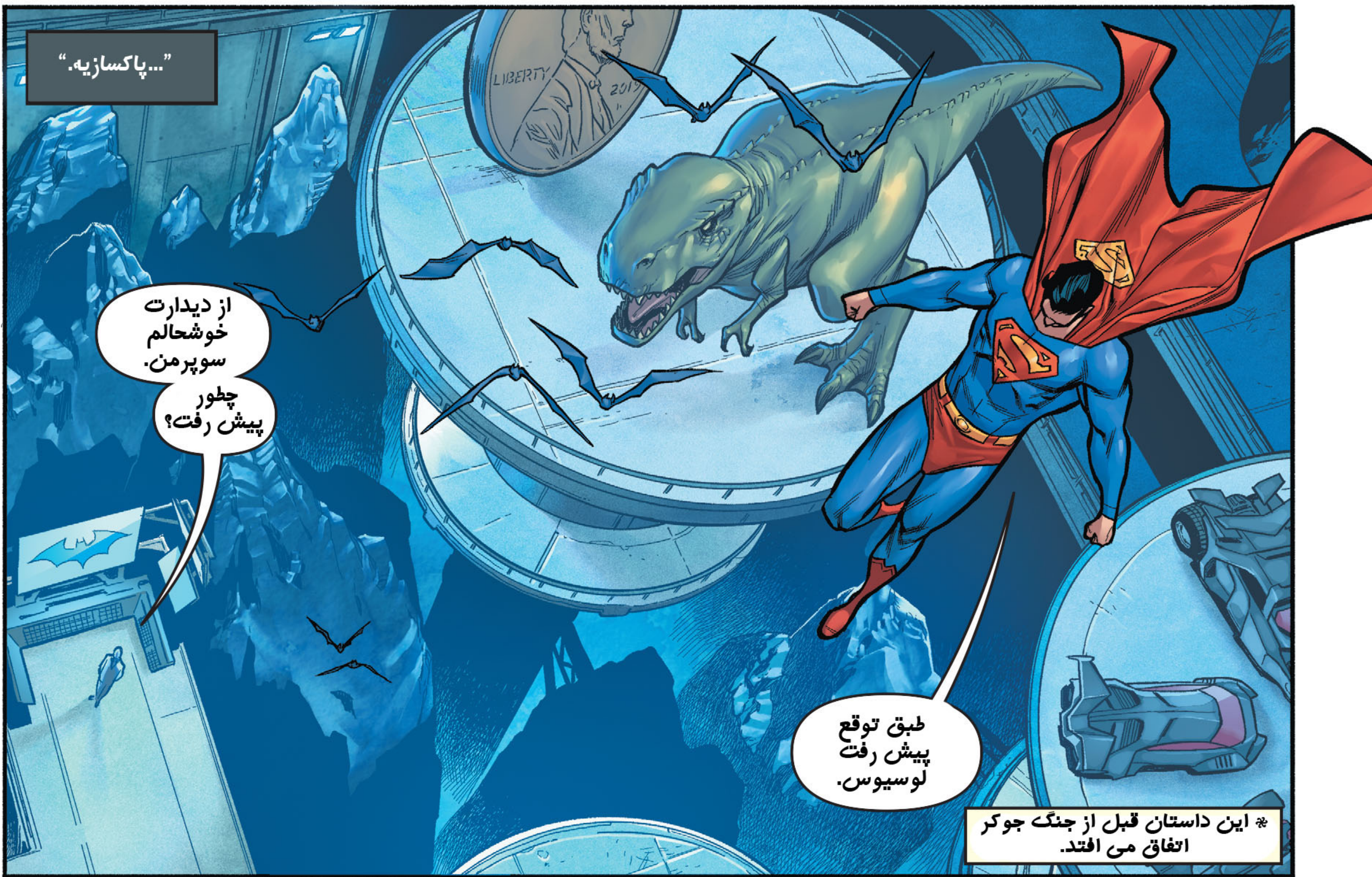
تو اونو  
مجبور نکردی تو  
این مسیر وارد بشه  
سوپرمن. بهترین  
کاری که می تونیم  
بکنیم...

آیا توانایی  
و قدرت من باعث  
بروز چالش می شه؟

یعنی منشأ  
این همه جنونم؟

این همه  
وحشت، همه اش  
بخاطر من.





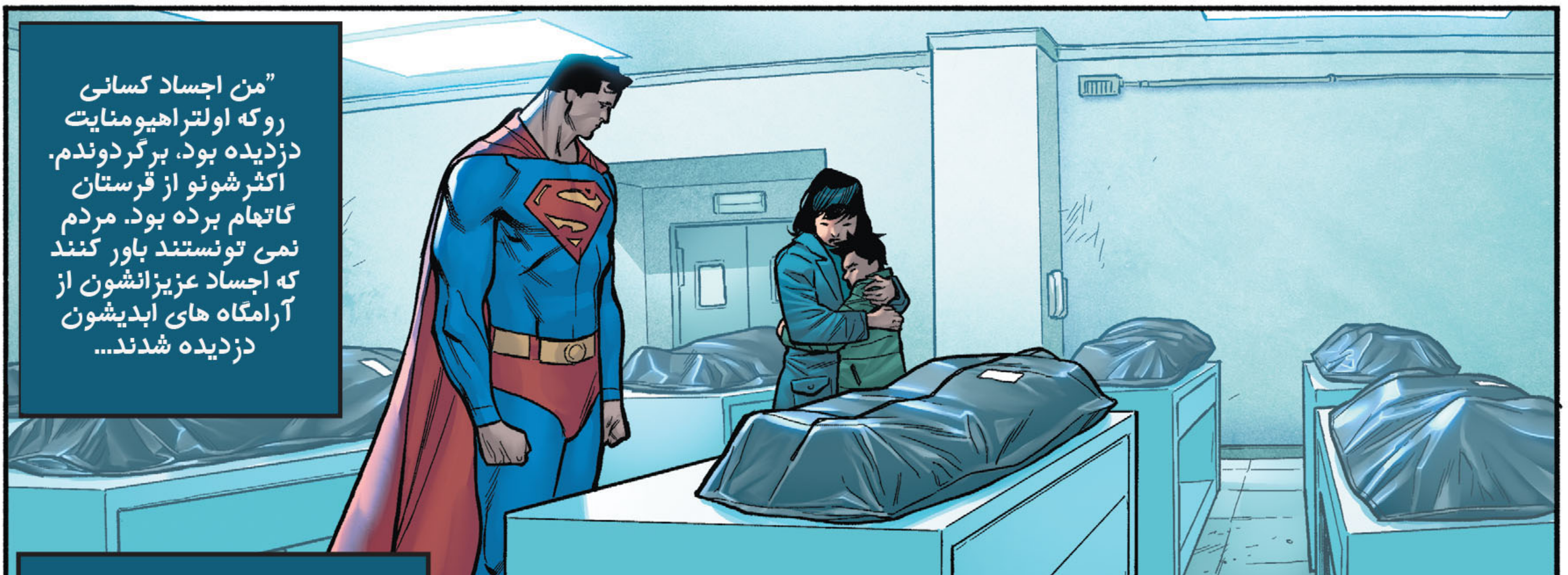
“...پاکسازی.”

از دیدارت  
خوشحالم  
سوپرمن.

چطور  
پیش رفت؟

طبق توقع  
پیش رفت  
لوسیوس.

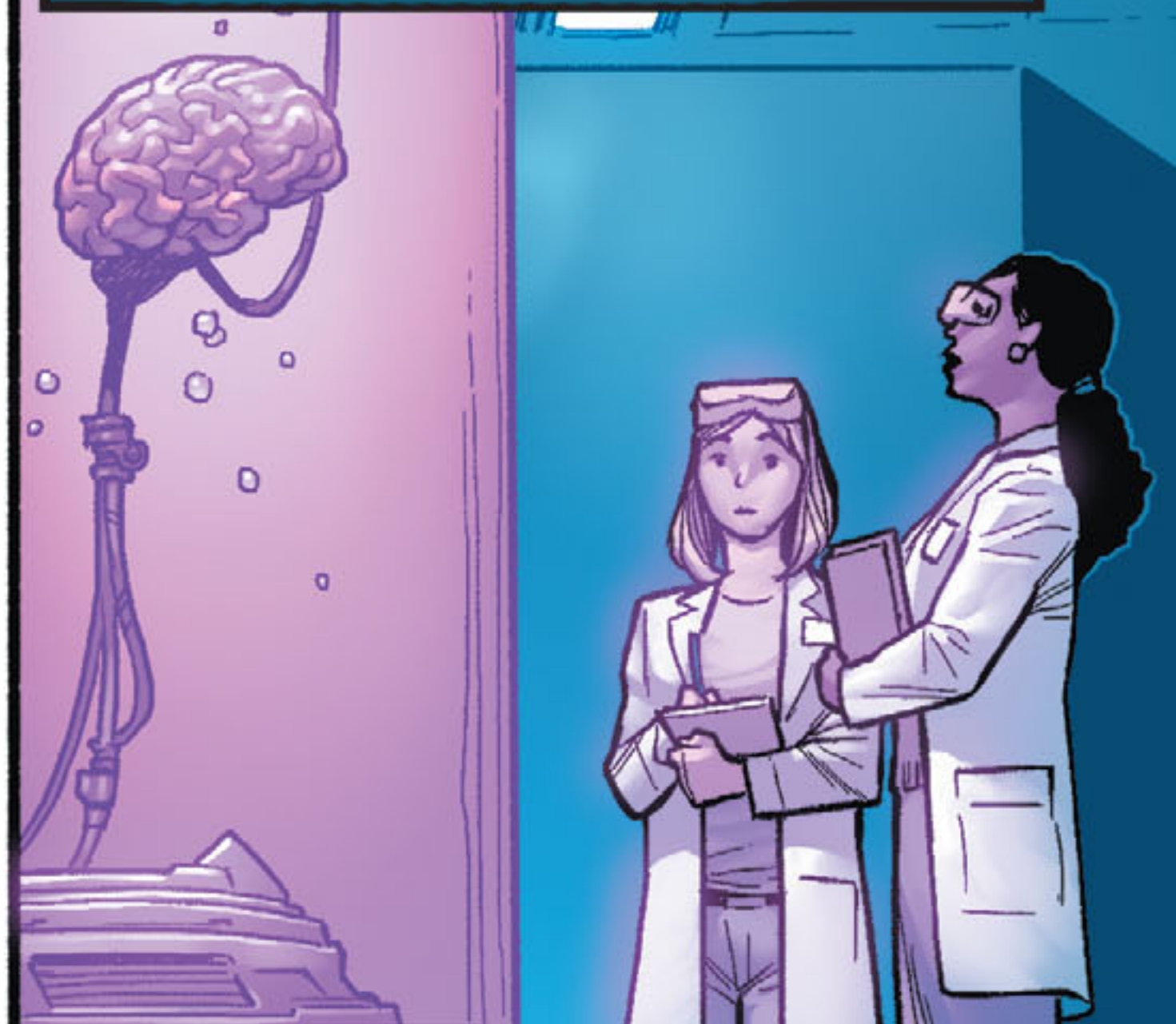
این داستان قبل از جنگ جوکر  
اتفاق می افتد.



“من اجساد کسانی  
رو که اولتراهیومنایت  
دزدیده بود، برگردوندم.  
اکثرشونو از قبرستان  
گاتهام برده بود. مردم  
نمی تونستند باور کنند  
که اجساد عزیزانشون از  
آرامگاه های ابدیشون  
دزدیده شدند...”

“استار لبز داره روی مغز  
اولتراهیومنایت تحقیق می کنه.  
به شکلی بی سابقه به شبکه  
وصل شده. معلوم نیست هنوز  
چند تا درون او بیرون  
وجود داشته باشه.”

“جسم جمجمه اتمی در قبرستان  
استرایکر آیلند امنه. با فرار از  
دست اولتراهیومنایت جون خیلی ها  
رو نجات داد. برام مهم بود که  
دنیا بدونه اون چیکار کرد.”



“راستش، بافت مغزی باید  
تا حالا مرده باشه. ولی چیزی  
در مورد فعالیت های مغزی اون  
هست که نشون می ده بافت ها  
دارند ترمیم می شن. همه رو  
متعجب کرده.”



“جمجمه اتمی مثل  
یه قهرمان مرد.  
امیدوارم خودشم اینو  
بدونه.”



لوسیوس...  
کسی نباید برای  
جراحی کمکش  
کنه؟

می تونی  
خودش بهش  
بگی که نمی تونه  
به تنهایی انجامش  
بده؟

آروم باشید،  
با هر دو تونم...





خیلی...  
زود کارم تموم  
می شه.

من مهارت  
جراحی آلفرد رو ندارم.  
ولی می تونم خودم  
چاشنی رو جدا کنم.

ولی سوپرمن،  
وقتی تو آزمایشگاه  
اولتراهیومنایت از شلیک  
تو به هوش اومدم، شنیدم  
چیزی گفت که ذهنمو به  
خودش مشغول کرده.

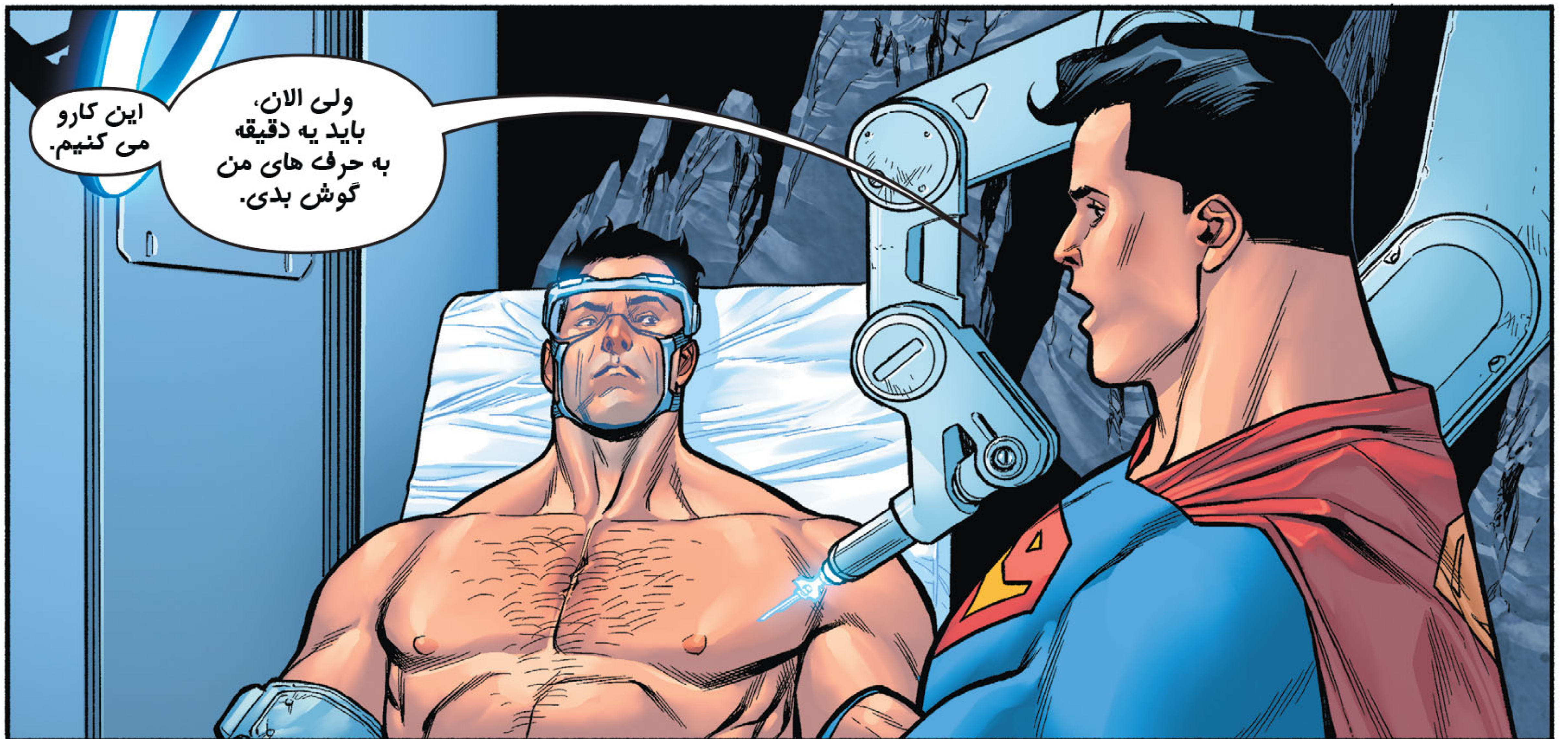


یه نفر  
جمجمه اتمی رو  
زندونی کرده بوده.

باید در موردش  
تحقیق کنیم. اگر افرادی  
هستند که دشمنانشون رو  
بطور غیرقانونی زندونی  
می کنند، باید بفهمیم.\*

در شماره ۲# سالانه تایتان های  
نوجوان پیگیر این ماجرا باشید.





این کارو  
می کنیم.

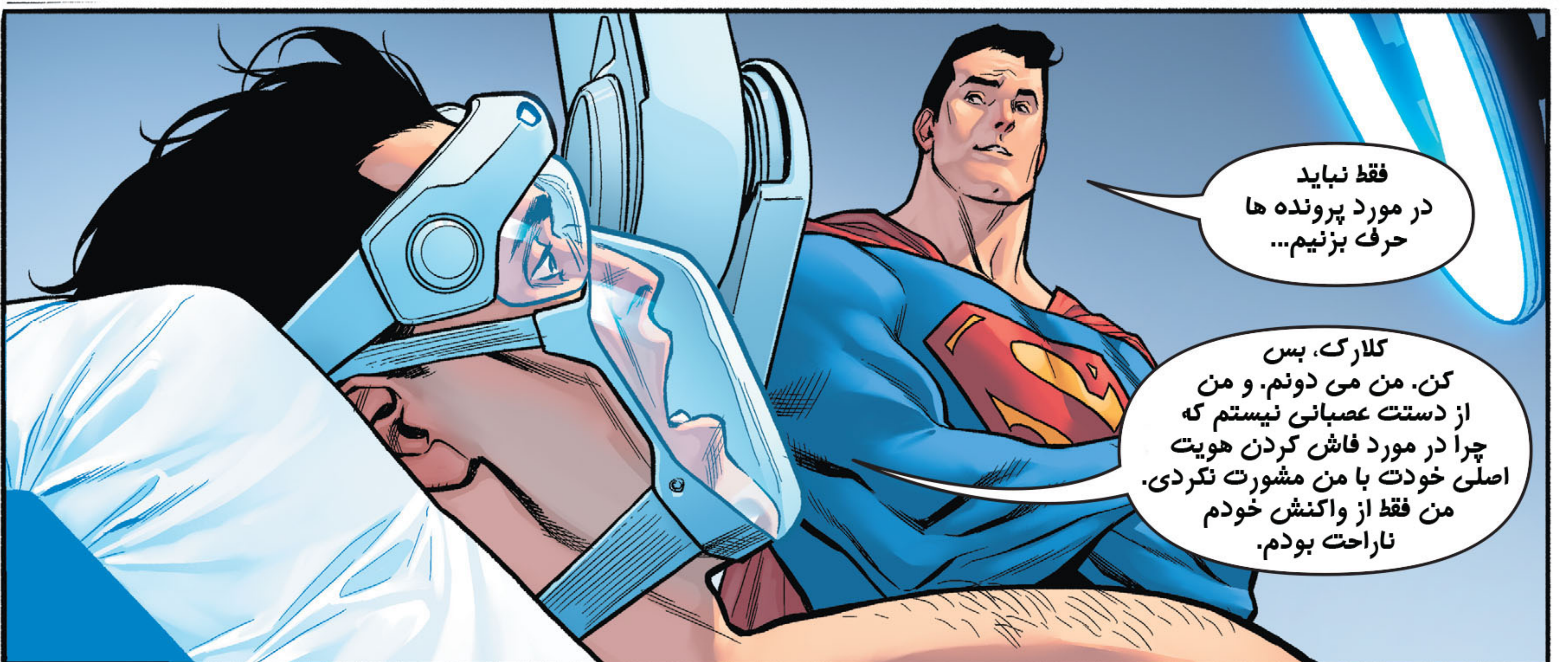
ولی الان،  
باید یه دقیقه  
به حرف های من  
گوش بدی.



اخیراً هر دو ما در دسرهای  
زیادی داشتیم.

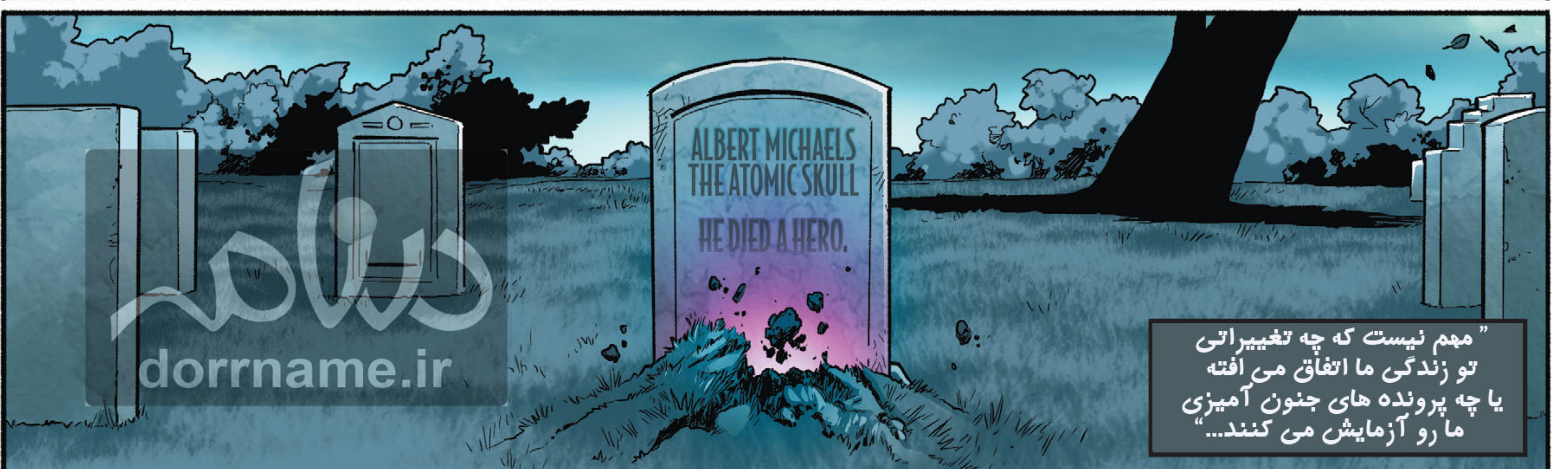
"تغییرات  
زیاد بوده.

"و بعضی وقت ها وقتی این اتفاقات می افتند، سرمون شلوغ می شه  
و به گوشه عزلت خودمون کشیده می شیم و با هم حرف نمی زنیم.



فقط نباید  
در مورد پرونده ها  
حرف بزنیم...

کلا رگ، بس  
کن. من می دونم. و من  
از دستت عصبانی نیستم که  
چرا در مورد فاش کردن هویت  
اصلی خودت با من مشورت نکردی.  
من فقط از واکنش خودم  
ناراحت بودم.



"مهم نیست که چه تغییراتی  
تو زندگی ما اتفاق می افته  
یا چه پرونده های جنون آمیزی  
ما رو آزمایش می کنند..."



“...ما همیشه قویتر می شیم.”

AAHHH!!

یه نوشیدنی می خوام...

قسمت بعدی:

فایل های

برینیاک





DC

UNIVERSE

11

# BATMAN SUPERMAN

WILLIAMSON  
HENRY  
SANCHEZ

AGES 13+



دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی

...A-HUMANITE  
...LEASHED!